



نوروز و بهار سمبل تداوم زندگی و زنده ماندن است. جاری شدن دوباره جویبارها، سربرآوردن زنبق و پامچال و افاقیا و شکفتن جوانه و غنچه و شکوفه، نشان از پیروزی حرکت و امید و بالندگی بر انجماد و سیاهی و تحجر دارد.

آنچه امروز از گل و سبزه و ریحان دامان دشت و کوه و صحرا را به زینت آراسته است، حاصل تلاشی همبسته، تدریجی اما استوار است که در فصل انجماد در دل خاک جاری بوده است.

بهار واقعی زندگی انسان نیز با تلاش و مبارزه در دل سیاهی حاکم تحقق می یابد. اگر چه فشار پنجه های استبداد حاکم نخستین زمزمه های سرود بهار آزادی را در گلوی تشنگان آزادی خشکاند، اما رهروان دنیای نو، پیام آوران بهار و شادی انسان، امیدوار به بنیاد نهادن دنیایی فارغ از ستم و استثمار، دنیایی بری از جنگ، خشونت، نابرابری و بیعدالتی، دنیای انسان آزاد و برابر، دنیای سوسیالیسم، مصمم به تغییر وضع موجود دمی از حرکت و مقاومت و مبارزه غافل نماندند. باشد که در سایه همبستگی و اتحادمان دگربار و اینبار بر صلابت تر و پایدار در کوچه و بازار و در میداین شهر و روستا، همصدا با همه مشتاقان بهار و آزادی، با طنین سرود

بهار آزادی، نوروز و روز نو واقعی انسان را به جشن بنشینیم. **بهار و نوروزتان پیروز!**

## ایران در سالی که گذشت!

سالی سپری شد و بهاری دیگر فرا رسید. سالی که گذشت برای اکثریت جامعه ایران، سال سخت و فلاکت باری بود. زیرا تورم و گرانی از یک سو و اختناق و سرکوب های سیاسی از طرف دیگر در جریان بود. کارخانه ها، یکی پس از دیگری تعطیل شده اند و کارگران به صف میلیونی بیکاران پیوسته اند.

رشد و گسترش مبارزه جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان و دانشجویان و مردم آزادیخواه و تحت ستم چشمگیر شده است.

جمهوری اسلامی سال گذشته، علاوه بر فیلترینگ سایتها، تعدادی از وبلاگ نویسان و روزنامه نگاران را زندانی کرد. همانند سالهای قبل، از برگزاری مجمع عمومی کانون نویسندگان نیز جلوگیری شد.

سالی که گذشت، خودکشی، اعتیاد، تن فروشی، فروش ارگانها بدن، کودکان کار و خیابانی که همگی ریشه در فقر و فلاکت و اختناق سیاسی جمهوری دارند، غوغا کرد و هیولای هولناک ترافیک نیز جان هزاران نفر را گرفت. حوادث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در ایران به حدی سریع و گسترده است که پرداختن به همه آنها در یک مطلب کوتاه امکان پذیر نیست. بنابراین در اینجا به چند نمونه از وقایع مهم سال گذشته این کشور، بسنده می کنیم.

— اکثریت جامعه ایران در سال گذشته، به ویژه مزدبگیران تحت فشار اقتصادی و گرانی و تورم فزاینده قرار گرفتند. خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، در تاریخ ۲۲\_۹\_۱۳۸۳، به نقل از نجات امینی، مدیرکل کاهش فقر و سیاستهای جبرانی وزارت رفاه جمهوری اسلامی نوشت، بیش از ۱۲ میلیون نفر در کشور در فقر مطلق زندگی می کنند.

— رحیم عبادی، رئیس سازمان ملی جوانان ایران، که یکی از مشاوران خاتمی نیز هست، نرخ بیکاری در میان جوانان را ۳۱ درصد اعلام کرد و گفت، براساس مطالعات انجام گرفته در ایران هم اکنون ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار جوان جویای کار در این کشور وجود دارد.

— سال گذشته در اول ماه مه و وقایع بعد از آن، مبارزه طبقاتی را نه تنها در سطح جامعه ایران، بلکه در نزد اتحادیه های کارگری و سازمانها

## انتخابات ریاست جمهوری و ترفند شکست خورده اصلاح طلبان کرد

صفحه ۵

## هشت مارس امسال، گامی دیگر به پیش!



صفحه ۸

## برگزاری نوروز در کردستان

بر اساس گزارشاتمی که تا لحظه انتشار نشریه به دست ما رسیده، روز شنبه ۲۹ اسفندماه نیروهای رژیم که چشم دیدن شادی و خوشحالی مردم را ندارند، تمامی شهر سنندج را به اشغال خود درآوردند، تا مانع برگزاری مراسم نوروزی و تجمع مردم باشند. اما مردم سنندج با برگزاری مراسم آتش بازی و جشن و پایکوبی در سطحی وسیع به گستردگی تمام محلات و شهرک های سنندج بار دیگر قصد رژیم را در جلوگیری از این مراسم ناکام گذاشتند.

در مهلباد نیز روز یکشنبه اول فروردین علیرغم آماده باش نیروهای رژیم، مردم با تجمع در نقاط مختلف شهر بویژه در محل پارک ملت، نوروز را جشن گرفتند که نیروهای رژیم با حمله به تجمع مردم و تیراندازی هوایی و دستگیری تعدادی در صدد پراکندن جشن مردم برآمدند.

و احزاب چپ جهان نیز برجسته ساخت و نشان داد که در جامعه ایران، مانند همه کشورهای سرمایه‌داری جهان، با ویژگی‌های خاص خودش، ابعاد مبارزه به «سنت» و «مدرنیته» محدود نبوده و دو طبقه اصلی جامعه، در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند.

در روز ۱۱ اردیبهشت سال ۸۳، روز جهانی کارگر، صدها تن از کارگران و خانواده‌های آن‌ها، در حال تجمع در مرکز شهر سقز بودند تا روز همبستگی بین‌المللی خود را همزمان با کارگران جهان برگزار نمایند و در آن، درباره مسائل اقتصادی و سیاسی علیه سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه تبادله نظر کنند. رژیم وحشی جمهوری اسلامی، کلیه نیروهای سرکوبگر خود را از لباس شخصی‌ها، اطلاعاتی‌ها و نیروهای ضد شورش تا دندان مسلح را به میدان آورد و به جان کارگران و خانواده‌های بی‌سلاح آن‌ها انداخت. در این یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر، حدود ۴۰ نفر دستگیر شدند که پس از بازجویی به غیر از ۷ نفر، بقیه آزاد شدند. این ۷ نفر در زندان‌های سقز و سنندج، مورد شکنجه و بازجویی قرار گرفتند اما هرگز از موضع طبقاتی خود پایین نیامدند. نهایت امر، در اثر مقاومت سرافرازانه دستگیرشدگان، مبارزه خانواده آن‌ها، مبارزه کارگران و مردم آزادی‌خواه سفر و سنندج و دیگر شهرهای ایران و موج وسیعی از اعتراضات گسترده در خارج کشور و حمایت و پشتیبانی اتحادیه‌های کارگری و احزاب و نهادهای انسان‌دوست، جمهوری اسلامی وادار به عقب‌نشینی شد و اجبارا همه دستگیرشدگان را آزاد کرد. اما همچنان به احضار این هفت نفر فعال و چهره‌های شناخته‌شده جنبش کارگری به بی‌دادگاه‌های تفتیش عقاید ادامه می‌دهد و به آزار و اذیت آن‌ها می‌پردازد. بنابراین ضروری است که کمپین بین‌المللی حمایت از آن‌ها تا لغو کامل دادگاه تفتیش عقاید جمهوری اسلامی آن‌ها ادامه یابد.

علاوه براین، در اول ماه مه سال گذشته در داخل ایران، دو قطعنامه متفاوت کارگری منتشر گردید که گرایش رفرمیستی و لیبرالی و رادیکال

و ضدسرمایه داری درون طبقه را به نمایش گذاشت. قطعنامه گرایش رفرمیستی و لیبرالی، به نام «هیات موسسان برپایی سندیکاها کارگری» بود و دومی به نام «شواری برگزارکننده مراسم اول ماه مه». اولی برای برپایی تشکل‌های مستقل کارگری، به وزارت کار رژیم و سازمان بین‌المللی متوسل می‌شود، در حالی که دومی، به نیروی طبقاتی کارگران اتکا می‌کند. طبیعی است که اگر حتی با سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های گرایش رفرمیستی و لیبرالی و با اجازه وزارت کار رژیم و با میانجیگری سازمان‌های بورژوازی نظیر سازمان بین‌المللی کار، اگر هم تشکل‌های مستقل کارگری تشکیل شود، چنین تشکلی قادر نخواهد بود نیازهای مبارزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توده کارگران را برآورده سازد. تشکل کارگری مانند هر سازمان توده‌ای و اجتماعی دیگر نباید مبارزه‌اش را صرفا به مبارزه اقتصادی محدود نماید و به مسائل سیاسی و اجتماعی نظیر اختناق سیاسی، شکنجه و اعدام، سرکوب سیستماتیک زنان، سرکوب جوانان و دانشجوین، مسئله کار کودکان و تحصیل و بهداشت آن‌ها و سرکوب مردم تحت ستم و غیره بی‌تفاوت بماند. طبیعی است که تشکل کارگری باید در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دخالت فعال داشته باشد تا خود را برای تحولات سرنوشت ساز طبقاتی آماده سازد. بنابراین فقط با گرایش رادیکال و ضدسرمایه داری طبقه کارگر و با اتکا به قدرت و همبستگی طبقاتی می‌توان تشکل‌های مستقل ضدسرمایه داری را به وجود آورد و موجودیت و علنیت آن را نیز به سرمایه‌داران و رژیم تحمیل کرد. همچنین از طریق همین تشکل‌ها، مبارزه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر را در سطح سراسری و در سطح انترناسیونالیستی با جدیت و پیگیری بیش‌تری دنبال نمود. این یک مسئله بسیار مهم و گرهی در مبارزه و تشکل‌یابی طبقه کارگر است که بی‌شک رفقای کارگر ما، به ویژه گرایش رادیکال و پیشرو نسبت به آن حساس هستند.

اخیرا نیز حدود سه چهار هزار

کارگر، زیر نامه‌ای را برای برپایی تشکل‌های مستقل کارگری امضاء کرده‌اند، جای خوشحالی و امیدواری است که هر چه بیشتر توده کارگران، در سرنوشت برپایی تشکل‌های مستقل خود پیشقدم شوند. اما به دلیل این که خطاب این نامه، وزارت کار جمهوری اسلامی و سازمان بورژوازی بین‌المللی کار است، باید در فضای دوستانه و رفیقانه مورد نقد قرار گیرد. زیرا تشکلی که با این افق و چشم‌انداز اگر هم ساخته شود، تشکلی رفرمیستی و لیبرالی خواهد بود که نمونه آن را در کشورهای دیگر، به ویژه بغل گوش ایران، یعنی در ترکیه می‌بینیم. تشکل‌هایی مانند فدراسیون سراسری کارگران ترکیه (ترک‌ایش)، با وجود این که میلیون‌ها کارگر در آن عضویت دارند، اما نه قدم‌های چندانی برای تحمیل مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران علیه کارفرمایان و دولت برنمی‌دارد، بلکه این فدراسیون مانعی در مقابل مبارزه طبقاتی کارگران بوده و عملا به زایده احزاب لیبرال و رفرمیست پارلمانی تبدیل شده است.

— یکی دیگر از وقایع هولناک سال گذشته، ربودن و کشتن کودکان خانواده‌های فقیر در پاکدشت بود. دو نفر به نام‌های محمد بسیجه، معروف به بیجه و علی غلام‌پور، به اتهام قتل ۱۹ کودک و سه بزرگسال در شهرستان پاکدشت، در حومه جنوبی تهران، دستگیر شدند. پرونده پاکدشت، به عنوان بزرگترین پرونده جنایی ایران در هفتاد سال اخیر شناخته شد و به شدت افکار عمومی جامعه ایران را تحت تاثیر قرار داد و متاثر کرد. در بررسی پرونده پای قضا و مامورین انتظامی نیز در رابطه با این جنایت هولناک به میان کشیده شد که رژیم بلافاصله این پرونده را با صدور حکم اعدام بیجه بست و واقعیت را مانند هر پرونده جنایی دیگری در پرده ابهام قرار داد.

براساس گزارش ایلنا، ۲۶-۱۲-۸۳، «حکم اعدام، متهم ردیف اول پرونده پاکدشت، بیجه ۲۲ ساله، که از تاریخ ۱۵ شهریور سال جاری در بازداشت به سر می‌برد، به اتهام ارتقاء به ۲۱ فقره قتل عمد، فساد فی‌الارض و

آدم‌ربایی، به ۱۶ بار قصاص نفس، یک بار اعدام در ملاعام، ۱۵ سال حبس و صد ضربه تازیانه، به عنوان حد الهی محکوم شده است. براساس این گزارش، با ورود «محمد بیجه»، ماموران او را به بالای جرقیلی که در آن قرار بود بیجه را اعدام کنند بردند و با برهنه کردن بدن او، حکم صد ضربه شلاق را اجرا کردند. بیجه، در حین شلاق بارها به دلیل ناتوانی بدنی به زمین می‌نشست. سپس بیجه، .. را به پای چوبه دار بردند و سپس طناب دار را به گردن او انداختند.» در واقع بیجه‌ها، به دلیل فقر و فلاکت و جهل و یا فشارهای روانی دست به چنین جنایاتی می‌زنند، در حالی که رژیم ضدانسانی جمهوری اسلامی عامل اصلی چنین جنایات و بازتولیدکننده همه وحشی‌گری‌ها و تجاوز به حقوق انسان‌ها، از جمله زنان و کودکان است. شیوه دادگاه و شلاق و اعدام بیجه، یکبار دیگر بربریت و وحشی‌گری جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

— ۵۰۰ هزار کودک ایرانی زیرخط فقر زندگی می‌کنند. نماینده سازمان ملل متحد در ایران گفت، ۱۴ درصد کودکان در ایران هنوز کار می‌کنند. شایان ذکر است که این آمار شامل کودکانی است که جایی دارند و در سرشماری‌های رسمی جای داده شده‌اند. وی در ادامه گفت، شماری از کودکان به خصوص دختران... به علت مشکلات و مسائل اجتماعی و فرهنگی و کمبود معلم زن، مجبور به ترک تحصیل شده و به علاوه تنبیه نیز همچنان در مدارس ایران جاری است.

همچنین هنوز حدود ۴۰۰ هزار کودک افغانی در ایران زندگی می‌کنند، که این کودکان تنها در صورت حضور رسمی و با مجوز خانواده‌های خود اجازه رفتن به مدرسه دارند، که این عده برای نیم سال باید ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار پرداخت کنند.

البته کودکان خیابانی، یعنی کودکان کار «غیر رسمی» و کودکانی که در آمارهای رسمی در نظر گرفته نمی‌شوند، در این آمار قرار ندارند.

— با آغاز زمستان، اعلام گردید که بیش از ۵۰ هزار

«کارتون خواب‌ها»، در خیابان‌های پایتخت، در اثر سرما جان خود را از دست دادند.

بدنبال حادثه انفجار قطار باربری در نیشابور، منجر به کشته شدن ۱۸۰ نفر و مجروح شدن ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر در این حادثه شد. دهاتی که در مسیر حرکت قطار واقع شده بودند نیز در اثر انفجار واگن‌ها آسیب دیدند. حتی انفجارهای مهیبی نیز هنگام فرونشاندن حریق در واگن‌های حامل مواد آتش‌زا روی داد و عده‌ای را کشت.

صبح روز ۲۲ فوریه ۲۰۰۵، شهر زرنده و روستاهای اطراف آن را زلزله بزرگی به قدرت ۶/۶ درجه در مقیاس ریشتر لرزاند و جان صدها نفر را گرفت و هزاران نفر از مردم منطقه را مجروح، صدها روستا را با خاک یکسان کرد و خسارت بسیاری به زندگی و حیات مردم منطقه وارد نمود. عدم کمک‌رسانی جدی رژیم و هوای سرد زمستانی، ویرانی منازل و بسته‌شدن جاده‌ها، نبود امکانات پزشکی و امدادی به زلزله زدگان بر درد و رنج و مشقت مردم افزوده است.

با انتخابات مجلس هفتم، جناح به اصطلاح «محافظه‌کار»، جناح «دوم خرداد» را از مجلس بیرون ریخت و بدین ترتیب پایان عمر جناح دوم خرداد را اعلام کرد. ظاهراً با انتخابات مجلس هفتم، تا حدودی حاکمیت نیز یک دست شد.

بدنبال شکست قطعی «دوم خرداد»ها، یکی از فرقه‌های ۱۸ گانه وابسته به این جناح، به نام «دفتر تحکیم وحدت»، با حضور یکی دو نفر دیگر، به سخن‌گویی محسن سازگارا، از عوامل اصلی سابق سپاه پاسداران، پروژه «رفراندم» را مطرح کردند که این پروژه مورد استقبال همه افراد و جریاناتی که از دوم خرداد ۷۶، چشم خود را به جناح دوم خرداد دوخته بودند، یعنی از طیف توده‌ای-اکثریتی، طیف جمهوری‌خواهان، سلطنت‌طلبان، به اصطلاح نیروهای «ملی» و «مذهبی» به دنبال سازگارا راه افتادند و چند هزار امضاء نیز جمع کردند. اما با روشن شدن اهداف این پروژه که در واقع مخالفت با سرنگونی

رژیم جمهوری اسلامی با یک انقلاب اجتماعی و به وجود آوردن تغییرات بورژوازی از بالا، سهم خود را از حاکمیت طلب کنند، با شکست روبرو گردید.

دوشنبه ۲۴ دسامبر ۲۰۰۴، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با صدور قطعنامه‌ای، رژیم جمهوری اسلامی ایران را به دلیل اقدام به اعدام، شکنجه، بازداشت‌های غیرقانونی، اجرای مجازات شلاق و سنگسار و تبعیض سازمان یافته علیه زنان محکوم کرد.

این قطعنامه به پیشنهاد دولت کانادا و با امضای ۳۳ دولت دیگر، تدوین و در نشست روز بیستم دسامبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد با حضور نمایندگان ۱۳۶ کشور جهان، به رای گذاشته شد که ۷۱ کشور به آن رای موافق و ۵۴ کشور رای مخالف و ۵۵ کشور رای ممتنع دادند.

اجرای مجازات‌های اعدام خارج از چارچوب‌های به رسمیت شناخته شده بین‌المللی، توسل به شکنجه و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، محدودیت در برگزاری گردهمایی‌ها و منحل کردن احزاب، عدم رعایت کامل معیارهای بین‌المللی قضایی و تبعیض سازمان یافته علیه زنان و اقلیت‌ها از جمله دیگر جرم‌هایی است که در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران آمده است.

کشمکش‌ها و معاملات دیپلماتیک بر سر فعالیت‌های رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث میان ایران و سران اتحادیه اروپا و اروپا با آمریکا است.

۲۹ نوامبر ۲۰۰۴، شورای حکام آژانس انرژی اتمی، پس از چندین روز بحث و مذاکرات دیپلماتیک، قطعنامه‌ای را درباره فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد که در آن از اشاره به احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل خودداری شده است. تاکنون بحث سه جانبه میان ایران و اتحادیه اروپا و اتحادیه اروپا با آمریکا، برای متوقف ساختن فعالیت‌های جمهوری اسلامی، برای غنی‌سازی اورانیوم و

احتمال ارجاع آن به شورای امنیت سازمان ملل، تحریم اقتصادی ایران، حمله هوایی و موشکی آمریکا و اسرائیل به نیروگاه‌های اتمی جمهوری اسلامی، به طور مداوم در رسانه‌های بین‌المللی انعکاس پیدا می‌کند.

در سال ۸۳، نشریه‌های دانشجویی بینش، کیمیا، ندای دانشجوی، نوای نو و در عرصه مطبوعاتی نیز نشریات پیام کردستان، خورشید نیمروز، نسیم صبا، وقایع اتفاقیه، جامعه نو و آفتاب به دستور قوه قضائیه رژیم توقیف شدند.

گفته می‌شود که در ایران، حدود ۶۰ هزار وبلاگ نویس فعالیت می‌کنند. سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی، نسبت به فعالیت‌های وبلاگ نویسان شدیداً حساس هستند. از این‌رو رژیم علاوه بر فیلترینگ سایت‌ها، تعدادی از این وبلاگ نویسان را نیز زندانی کرد. آن‌ها پس از آزادی از زندان فاش نمودند که پلیس در زیر شکنجه و به زور آن‌ها را وادار به اقرار دروغین کرده است.

۱۶ آذر روز دانشجو، تفاوت کیفی با سال‌های قبل داشت. دانشجویان دانشگاه تهران، در سالی که خاتمی حضور داشت، پوستر بزرگ زنی را که در قفس و در پشت میله‌ها قرار داشت و سنبل اسارت زن را در جمهوری اسلامی نشان می‌داد قرار داده بودند. شعارهای دانشجویان عمدتاً شعارهای گرایش چپ جامعه بود. شعارهایی نظیر معیار آزادی زن، آزادی همگان است؛ جنبش دانشجویی جدا از جنبش کارگری نیست؛ نان و آزادی و ... از جمله شعارهایی بودند که دانشجویان بر روی پلاکاردها نوشته بودند.

برگزاری ۸ مارس، به عنوان روز جهانی زن در تهران و شهرستان‌ها و به ویژه در کردستان، پایه‌های رژیم جمهوری اسلامی را لرزاند. زیرا روز ۸ مارس، یادآور مبارزات تاریخی زنان و مردان کارگر و کمونیست، برای رفع تبعیض و برقراری حقوق برابر زن و مرد در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهان است. با برگزاری ۸ مارس، زنان و مردان آزادی‌خواه و سوسیالیست نشان دادند، روزی را که به عنوان روز کشف حجاب رژیم

فاشیستی رضاخان میرپنج و پسرش و یا روز تولد فاطمه رژیم تروریستی جمهوری اسلامی را نمی‌پذیرند. آن‌ها، روز جهانی زن را به رسمیت می‌شناسند که انترناسیونال کارگران آن را انتخاب کرده است. بنابراین انتخاب چنین روزی از سوی زنان ایران به عنوان روز زن، کلیه معیارهای ناسیونالیستی و مذهبی را زیر سؤال برده و آلت‌ناتیو طبقاتی و انترناسیونالیستی را ارائه می‌دهد.

۲۶ اسفند ماه، یعنی بیش از چهار روز به سال نو باقی نمانده بود که ایلنا، اعلام کرد، حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۴ براساس روزانه ۴۰۸۶۴ ریال تعیین شد. این مبلغ به صورت ماهیانه ۱۲۲ هزار و ۵۹۵ تومان است. مهندس محسن خواجه نوری، معاونت تنظیم روابط وزارت کار و امور اجتماعی، با اعلام این مطلب، گفت: «در پایان آخرین جلسه شورای عالی کار با حضور گروه کارگر، کارفرما و دولت، مبلغ افزایش دستمزد سال ۸۴ با احتساب ۱۵ درصد، تورم سالیانه که از سوی بانک مرکزی اعلام شده، مبلغ ۱۲۲ هزار و ۵۹۲ تومان افزایش یافته و مبلغ ۲ هزار تومان نیز به بن کارگری افزوده شده است.

بدین ترتیب دستمزد دریافتی ماهانه کارگران، از مبلغ ۱۰۶ هزار تومان فعلی به رقم ۱۲۲ هزار تومان رسید، در حالی که خط فقر در ایران براساس تورم موجود، مبلغی در حدود ماهیانه ۳۰۰-۲۵۰ هزار تومان است. از سوی دیگر هنوز دستمزدهای معوقه کارگران بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها از قبیل نساجی پارس، پوشش، نساجی فومنت، ذغال سنگ البرز و مشکلات اقتصادی و اجتماعی پرستاران و معلمان، همچنان لاینحل باقی مانده است. در چنین شرایطی، افزایش بسیار جزئی دستمزدها برای سال آینده، شوک بزرگی را بر همه مزدبگیران و خانواده‌ها آنان وارد کرد و به اصطلاح روزهای عید و سال نو نشان را تلخ‌تر ساخت.

اگر وقایعی را که در بالا اشاره شد، مبنای تحلیل و بررسی تحولات جامعه ایران در نظر گرفته شود، از هم اکنون می‌توان حدس زد که

## ایران در سالی

## که گذشت



سال ۸۴، برای کارگران و مردم محروم و آزادی‌خواه، سال سخت و دشواری خواهد شد. از سوی دیگر، قطعا اعتراضات و اعتصابات فزونی یافته و کارگران اول ماه مه ۸۴ را به روز محاکمه بورژوازی در نزد افکار عمومی و به نمایش گذاشتن قدرت طبقاتی خود تبدیل خواهند کرد. کارگران، با افق و چشم‌انداز طبقاتی، تشکلهای خود را مستقل از سرمایه‌داران، احزاب آنها و دولت به وجود می‌آورند؛ مبارزه خود را سراسری می‌کنند و از سطح تدافعی به سطح تعرضی ارتقا می‌دهند؛ گام‌به‌گام مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را به کارفرمایان و رژیم تحمیل می‌نمایند و با تثبیت دستاوردهای خود، زمینه را برای تغییر جامعه موجود مساعدتر می‌سازند. سالی که مبارزه زنان، جوانان و دانشجویان و مردم محروم و تحت ستم تعمیق و گسترش یافته و با جنبش کارگری پیوند می‌خورد.

با امید این که سال آینده با راه افتادن یک جنبش قوی طبقاتی، نه تنها موقعیت اجتماعی همه مزدبگیران و تولیدکنندگان نیازهای اجتماعی بهبود یابد، بلکه با شکسته شدن فضای اختناق، همه زندانیان سیاسی آزاد گردند، به شکنجه و سنگسار، اعدام، و کلیه قوانین وحشیانه اسلامی مانند قانون قصاص و قوانین ضدزن لغو پایان داده شود و امید و آرزوی ساختن جهانی دیگر به شعور اجتماعی تبدیل گردد.

سال نو بر همه کارگران و کمونیست‌ها و مردم آزادی‌خواه مبارک!

۱۸ مارس ۲۰۰۵

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۳

بهرام رحمانی

## برگزاری چهارشنبه سوری،

## فرصتی برای ابراز خشم و نفرت مردم از رژیم



علیرغم محدودیت‌هایی که رژیم بر سر راه برگزاری مراسم چهارشنبه سوری ایجاد کرده بود، این مراسم در بسیاری از نقاط ایران به میدانی برای ابراز خشم و نفرت مردم بر علیه رژیم تبدیل گشت. در زیرموردی از این صحنه‌ها را ملاحظه می‌کنید.

تهران: نیروهای رژیم کوشیدند در بعضی از مناطق تهران برای متفرق کردن مردم از گاز اشک‌آور و باتون استفاده کردند. نیروهای لباس شخصی ۱۰ نفر از شرکت‌کنندگان مراسم چهارشنبه سوری را در پارک ملت و میدان محسنی تهران دستگیر کردند. همچنین در جریان حمله نیروهای انتظامی به شماری از جوانان در شرق تهران و درگیری بین مردم و نیروهای رژیم دست یکی از جوانان این منطقه به علت انفجار ترقه قطع شده است.

تبریز: بر اساس گزارش‌ها در جریان برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در شهر تبریز ۲۵ تن از مردم شهر که اکثرا آن جوان بوده‌اند، از سوی نیروهای رژیم دستگیر شده‌اند.

شیراز: روز سه شنبه ۲۵ اسفند ماه، در جریان برگزاری مراسم چهارشنبه سوری جوانان شهر شیراز این روز را به تظاهرات علیه رژیم تبدیل کردند. در جریان این تظاهرات شیشه‌های ۵ بانک و تعدادی از ادارات دولتی و همچنین ساختمان متروی شیراز به وسیله جوانان معترض شکسته شده است. در جریان درگیری بین جوانان و نیروهای رژیم ۹۰ نفر دستگیر شده‌اند و ۱۲ نفر از نیروهای رژیم نیز زخمی شدند.

اردبیل: جوانان در خیابان‌های اصلی شهر مراسم چهارشنبه سوری را از ساعت ۱۶ آغاز و تا ساعات پایانی شب به شادی و پایکوبی پرداختند. در جریان این مراسم نیروهای رژیم در برخی نقاط به جوانان معترض حمله کردند، که دهها نفر نیز دستگیر شدند. در جریان این مراسم شیشه‌های شماری از ادارات و خودروهای رژیم به وسیله جوانان اردبیلی شکسته شده است.

پیرانشهر: غروب روز سه شنبه، دهها تن از جوانان پیرانشهر و روستای پسوه تجمع نمودند و علیه رژیم و سیاستهای ضدانسانی آن شعارهایی مانند «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «مرگ بر مزدور»، «زنده باد جنبش انقلابی مردم کردستان» سر دادند. غروب همان روز بر روی تعدادی از کوه‌های این منطقه آتش روشن شده بود. هواداران کومله در منطقه شعارهای کومله را بر روی دیوارهای نوشته بودند.

سردشت: مردم شهر سردشت و شهرک ربط که از چند روز قبل خود را برای این روز آماده کرده بودند به خیابانها ریخته و با آتش زدن لاستیک و پرتاب ترقه در خیابان کمربندی و تمامی خیابانها و کوچه‌های شهر، به رقص و پایکوبی به شادی پرداختند.

سقز: روز سه شنبه، علیرغم تهدیدات شب قبل فرمانده نیروهای امنیتی در بخش خبری تلویزیون کردستان و ممنوع اعلام کردن هر مراسمی و علیرغم آماده باش نیروهای رژیم در مرکز شهر، مردم شهر سقز مراسم چهارشنبه سوری را با برپایی آتش و پرتاب ترقه برگزار کردند.

سنندج: علیرغم تهدیدات و هشدارهای رژیم و با وجود مستقرشدن ماموران رژیم از چند روز قبل در چهار راه‌ها و معابر عمومی شهر جهت ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، بار دیگر مردم و جوانان شهر سنندج با برگزاری این مراسم انزجار خود را از رژیم ابراز داشتند. از ساعت ۳ بعدازظهر در میان اشغال نیروهای رژیم، جمعی در حدود ۳۰۰۰ نفر در محله صادق آباد روبروی فروشگاه رفا تجمع کرده و با برپایی آتش بزرگ به رقص و پایکوبی پرداختند و با وجود چندین بار تعرض ماموران این مراسم تا ساعت ۱۰ شب ادامه یافت.

در نقاط دیگر شهر نیز مردم با تجمع در جمع‌های کوچک و برپایی آتش با پرتاب ترقه و پایکوبی این مراسم را برگزار کردند و نیروهای رژیم را به مسخره گرفتند.

بوکان: علیرغم اینکه نیروهای رژیم فضای پر از رعب و وحشت را در این شهر بوجود آورده بود و حدود ۲۰۰ موتور سوار را از قبل دستگیر کرده بود، اما مردم شهر به خیابانها ریخته با رقص و پایکوبی اقدام به برگزاری مراسم چهارشنبه سوری نمودند.

## صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

## صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸

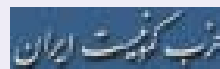
ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز



## از سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



## سایت کومله

www.komalah.org

روی شبکه اینترنت دیدن کنید!

## انتخابات ریاست جمهوری و ترفند شکست خورده اصلاح طلبان کرد

جلال محمدنژاد

است.

اصلاح طلبان کرد که در تمام عمر خود به عنوان ابزاری در دست جناح‌های رژیم جمهوری اسلامی جهت سرکوب جنبش کردستان، تحت عنوان خطر امنیت برای نظام اسلامی، و تنزل دادن آن به خواست‌های اداری- فرهنگی عمل کرده‌اند و برای نجات کلیت رژیم جمهوری اسلامی از هیچ خوش‌خدمتی دریغ نکرده‌اند، اینبار با برگزاری دو نشست در صدد هستند که به داد جناح اصلاح طلب شتافته و برای نجات کاروان شکست خورده آنان اینبار به قول خودشان طرح خواست‌های ملت کرد را به عنوان ترفندی جهت کسب اعتبار و جمع آوری رای برای کاندید مورد نظر خود در انتخابات ریاست جمهوری به دست بگیرند. چهره‌های جریان اصلاح طلب در کردستان از جمله عبدالله رمضان زاده استاندار سابق استان کردستان و سخنگوی فعلی دولت خاتمی، جلال جلالزاده عضو شورای مرکزی حزب مشارکت اسلامی، بهالالدین ادب، شاخه کردستان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و غیره بسیج شده و به فکر افتاده‌اند که خواستار «اجرای قانون اساسی در مورد تدریس زبان کردی»، «سفر و استاندار کردی» و «حزب و نشریه محلی» شوند. اصلاح طلبان کرد در پرتو اوضاع بوجود آمده به این نتیجه رسیده‌اند که از قافله عقب نمانند و آنها نیز از این فرصت استفاده کرده و برای تکمیل نقشه‌های قدیمی‌اشان جهت به کنترل در آوردن جنبش کردستان و محدود کردن آن به یکسری خواست فرهنگی - اداری در چهارچوب قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی تلاش کرده و به زعم خود بدیل آینده جنبش کردستان را از زبان کاندید جناح اصلاح طلب ارائه دهند.

اصلاح طلبان کرد با این حرکت خود از جمله اهداف زیر را دنبال میکنند: ۱ - آنها تلاش خواهند کرد که همراه با سایر متحدان اصلاح طلبان در ایران زیر بال جناح اصلاح طلب در حاکمیت را گرفته و از این فرصت استفاده نمایند تا کشتی به خاک نشسته جریان اصلاح طلب را

نابسامانی داخلی، درگیر انزوای بین‌المللی و بحران دیپلماتیک با کشورهای غرب نیز هست، پست ریاست جمهوری آن مرجعی خواهد بود که ۱- امر تطبیق نظام جمهوری اسلامی با سیاست‌های اقتصادی بانک جهانی و مقتضیات سرمایه داری ایران را در دست جناح محافظه کار آسانتر پیش برد. ۲- در عرصه بین‌المللی شخصیتی باشد که بحران دیپلماتیک بر سر سلاح اتمی را مرتفع سازد، دخالت‌های جمهوری اسلامی در عراق و خاورمیانه را قابل قبول جلوه دهد و جمهوری اسلامی را در موقعیت بهتری قرار دهد. ۳ - و بالاخره اینکه بتواند در جامعه ایران و در بین سیاستمداران جناح‌های مختلف رژیم جمهوری اسلامی مقبولیت پیدا کرده و توازن سیاسی و هماهنگی مابین آنها را ایجاد کند. شخصیت کاریسمایی باشد که زیر فرمان خامنه‌ای مراکز قدرت جناح محافظه کار را منسجم نموده و نمایندگی کند.

جناح اصلاح طلب که در انتخابات مجلس هفتم در برابر جناح محافظه‌کار در موقعیت بسیار نامناسبتری قرار گرفت، در انتخابات کنونی ریاست جمهوری نیز در وضعیت به مراتب ضعیفتری قرار دارد و درست به همین خاطر به تکاپو افتاده و با عمده کردن شعارهای توخالی و توهم برانگیز در نظر دارند که سروسامانی به جبهه شکست خورده اشان بدهند.

### ترفند

### اصلاح طلبان کرد!

جریان اصلاح طلب برای نجات خود از این وضعیت و برای ادای سهم بیشتر در نجات جمهوری اسلامی از بحران سیاسی اجتماعی اینبار به شکل عوامفریبانه‌ای «خواست اقلیت‌های قومی و مذهبی» را از جمله شعارهای انتخابات خود قرار داده است و به این منظور در کردستان به تلاش و فعالیت سازمانیافته تر روی آورده

جناح‌های مختلف رژیم جمهوری اسلامی میخواهند این نمایش مسخره را به عنوان انتخابات آزاد به مردم ایران و افکار عمومی جهان قالب نمایند. رژیم جمهوری اسلامی با اجرای این مضحکه انتخاباتی هر چند سال یکبار با ارباب و هوجبگری، مردم را به پای صندوق‌های این نمایش مسخره کشانده و از این طریق می‌خواهد در بین افکار عمومی و بویژه در سطح بین‌المللی برای خود اعتبار و مقبولیت اجتماعی بوجود آورد.

جناحها و قطب بندیهای سیاسی در حکومت اسلامی ایران به تکاپو افتاده‌اند تا با تقویت این سیستم اجتماعی و با کسب مقبولیت سیاسی برای آلترناتیو خود، به جامعه ایران و جهانیان نشان دهند که توانایی فائق آمدن بر بحران سیاسی و اقتصادی دامنگیر ایران را دارند و به این لحاظ مردم و جهانیان راهی جز قبول رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و کنار آمدن با آن را در پیش ندارند. ساختار سیاسی و نظام اداری رژیم جمهوری اسلامی بر ارگانهای جافتاده‌ای از نوع شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و غیره استوار است که زیر نظر مستقیم ولایت فقیه و جناح محافظه کار سلطه تمام بر همه مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه را در دست داشته و بویژه بعد از شکست اصلاح طلبان حکومتی در انتخابات مجلس هفتم این جناح کاملاً دست بالا پیدا کرده است. ریاست جمهوری که در دوره اخیر زمامداری خاتمی بیشتر یک نهاد تشریفاتی بود آخرین مرجعی است که جناح محافظه کار برای تسخیر آن دندان تیز کرده است. اگر برای جناح اصلاح طلب پست ریاست جمهوری همه امید بود و تنها ارگان قدرتی بود که بوسیله آن شاید قادر بودند برای اجرای سیاست‌هایشان کاری انجام دهند، برای جناح محافظه کار اما بویژه در شرایط فعلی که رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر

نظام جمهوری اسلامی بر پایه ولایت فقیه مطلقه و دستگاه سیاسی استوار است که در آن کوچکترین جایی برای مشارکت مستقیم مردم وجود ندارد و تمام سیستم سیاسی، اداری این رژیم بر دستگاه سرکوب، اختناق، زندان، شکنجه و اعدام استوار است. به این اعتبار و با توجه به تجربه ۲۵ ساله حاکمیت دیکتاتوری و استبداد مطلق در سایه رژیم جمهوری اسلامی صحبت کردن از انتخابات و رای دادن خیالی باطل و عوامفریبی بیش نیست. آن مضحکه‌هایی که در ایران تحت عنوان انتخابات براه می‌افتد بر طبق اصول و مبانی دموکراسی واقعی و حتی بر اساس دموکراسی نیم بند کشورهای غربی، هیچ قربانی با یک انتخابات آزاد ندارد. در کشوری که نه تنها نشان از آزادیهای دموکراتیک، آزادی عقیده و بیان، احزاب و تشکل سیاسی و غیره در میان نیست بلکه هر نوع حرکت مخالف و مغایر با نظام دیکتاتوری مذهبی به شدیدترین شکل ممکن سرکوب میشود، صحبت کردن از انتخابات آزاد چیزی جز حربه‌ای برای تحمیل مردم نخواهد بود.

در نظام جمهوری اسلامی قدرت واقعی در دست ولایت فقیه مطلقه است، که برای پیاده کردن آمال و اراده خود نهادهای قدرتمندی را در سراسر کشور گسترانیده است. شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سپاه پاسداران و انواع بنیادهای سیاسی و اجتماعی که برای حفظ چهارچوب سیاسی و اقتصادی این نظام سازمان داده شده‌اند تا مردم را به طور کامل از صحنه تصمیم گیری و مشارکت مستقیم در سرنوشت سیاسی خود محروم نمایند. به اینها می‌توان صدها نهاد و مراکز قدرتمند اقتصادی اضافه کرد که ثروت و سامان این جامعه را در انحصار خود نگه داشته‌اند.

یادآوری واقعیات بدیهی فوق ضروری است بویژه به این خاطر که



## ترند شکست خورده اصلاح طلبان

جان تازه‌ای بخشیده و آتمسفر حول و حوش «انتخابات» ریاست جمهوری را در این راستا به کمک گیرند. آنان با این کار در صددند که رژیم جمهوری اسلامی را کمک نمایند تا بر بحران‌های خود فائق آمده و چند صباحی دیگر به حیات ننگین خود ادامه دهد. اینان خود نیک میدانند که آنچه در ایران امروز به طور واقعی اجرا میشود همان قانون اساسی است و تلاش جریان دوم خرداد در طول حیات ۸ ساله خود نتوانست در هیچ عرصه‌ای از قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی یک قدم فراتر رود. اصلاح طلبان کرد با مستمسک قرار دادن برخی از خواسته‌های فرهنگی مردم کردستان تلاش خواهند کرد که آنها را به پای صندوق رای بکشانند و به این شکل برای جناح اصلاح طلب داخل حاکمیت مقبولیت بیشتری ایجاد نمایند.

۲ - جناهای رژیم جمهوری اسلامی اعم از اصلاح طلب گرفته تا محافظه‌کار کاملاً متوجه هستند که صحنه جامعه کردستان را امروز یک جنبش عظیم سیاسی اجتماعی تشکیل میدهد که در آن کارگران، زنان، جوانان و سایر اقشار زحمتکش جامعه برای رهایی از زیر بار ستم طبقاتی، ملی و جنسی به مبارزهای گسترده روی آورده و تحت تاثیر و نفوذ رادیکالیسم اجتماعی سیمای شهرهای کردستان را هر روزه به صحنه اعتراض و نبرد سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده‌اند که سرکوب و کنترل آن برای رژیم جمهوری اسلامی بسیار دشوار است. اعتراض و جنب و جوش روزمره کارگران در کارخانجات، کارگاهها و مراکز تولیدی، به میدان آمدن جنبش زنان و جوانان و دهها مورد اعتراض علیه بی‌حقوقی اجتماعی و علیه حضور سیاسی و نظامی رژیم در کردستان این جامعه را به کانون فعال و یکی از میدانهای اصلی مبارزه علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. رژیم جمهوری اسلامی در تمام حیات ننگین خود علیرغم اختلافات جناحی، برای سرکوب و به بیراهه کشاندن جنبش کردستان و کنترل آن

از درون به شکلی هماهنگ عمل کرده و تحرک اخیر اصلاح طلبان کرد خود ادامه همین تلاش است برای اینکه بتوانند از درون بر این جنبش سوار شده و آن را در توهم رسیدن به یکسری خواست فرهنگی در چهارچوب قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی منتظر نگه دارند و بر سر راه به پیروزی رسیدن آن سنگ اندازی نمایند. ۳ - جنبش کردستان امروز در منطقه خاورمیانه یک فاکتور مهم است و در سطح جهانی نیز به نسبت سابق از سمپاتی بیشتری در نزد افکار عمومی برخوردار است. و این چیزی است که جریان اصلاح طلب و لیبرالی در کردستان ایران - جریانی که وسیعتر از نشستهای اخیر اصلاح طلبان کرد است - نیز آن را درک کرده و می‌خواهد به عنوان یک آکتر سیاسی بر روی آن سرمایه‌گذاری نماید تا در آینده به عنوان یک طرف معامله آن وارد عمل شود. این مسئله بویژه از جانب اصلاح طلبانی که خارج از حکومت قرار دارند با صراحت بیشتری طرح می‌شود.

اما سهم مردم ستمدیده کردستان در تمام طول عمر ۲۶ ساله رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب و خفقان، میلیتاریزه شدن سراسر کردستان، جنگ و آوارگی، بی‌حقوقی سیاسی - اجتماعی، بی‌کاری، فقر، اعتیاد و تباهی جسمی، محروم ماندن از همه خواسته‌های انسانی و شکنجه و اعدام و کشته شدن هزاران نفر از مبارزین و آزادیخواهان نبوده است. جریان اصلاح طلب حکومتی و مجریان آن در کردستان نیز در طول ۸ سال زمامداری رئیس جمهور خاتمی نه تنها نتوانستند دردی از محرومیت‌های این مردم ستمدیده بکاهند بلکه خود به ابزار فعالی در جهت ابقاء حاکمیت جمهوری اسلامی و اجرای نقشه‌های آن تبدیل شدند. عبدالله رمضان زاده و جلال جلال زاده و همکارانشان در دوران استانداری و ماموریت‌های خود در کردستان به جای « طرح خواسته‌های ملت کرد » فرمان قتل‌عام و کشتار آنها را در اسفند ۷۷ و بهار ۵۹ و در دهها مورد دیگر را صادر کردند

و از هیچ تلاشی برای تثبیت پایه‌های حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی در کردستان دریغ نکردند. امروز این عالیجنابان حافظه این مردم ستمدیده را دست‌کم گرفته‌اند که گویا براحتی میتوانند خود را نماینده منتخب آنها قلمداد کرده و بر سر رای ۳ میلیون نفری آن با کاندیدهای ریاست جمهوری به معامله بنشینند. مردم مبارز کردستان در طول عمر رژیم جمهوری اسلامی و همچنین در تمام دوره زمامداری رئیس جمهور اصلاح طلب، رمضان‌زاده‌ها و همفکرانش را امتحان کرده و چیزی به جز بردگی اقتصادی و ستمگری ملی و شکنجه و اعدام از آنها ندیده‌اند و اینبار نیز فریب ترندهای شکست خورده آنها را نخواهد خورد. جنبش انقلابی و حق طلبانه مردم مبارز کردستان برای رهایی کامل از زیر بار ستم ملی که در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تمام حیات و هست آنها را تحت تاثیر گذاشته است به اتکاء به نیروی مبارزه و اعتراض متشکل کارگران و زحمتکش‌شان ادامه داشته و به همراه جنبش کارگران، زنان، جوانان و سایر محرومان جامعه در سراسر ایران برای برپایی دولتی که حق آنان را در

تعیین آزادانه سرنوشت خود برسمیت بشناسد مبارزه خواهند کرد. دولتی که در فردای آزادی در اولین قدمهای حیات خود عبدالله رمضان زاده و مجرمین همپالگی‌شان را به جرم جنایاتی که در روز روشن و در نقش استاندار و مقامات محلی کرد در کردستان مرتکب شدند در دادگاهی مردمی به محاکمه خواهد کشید. هر مبارزه مستقل و آزادیخواهان‌های که برای بهبود زندگی در هر عرصه‌ای بخواهد تلاش نماید لازم است صف خود را از کلیت جناحهای مختلف رژیم جدا کرده و در پیوند با جنبش کارگران و مردم مبارز برای رسیدن به خواسته‌های خود قدم بردارد. فراخوان کارگران و مردم مبارز کردستان به اعتراض عمومی و اجتماعی علیه کلیت رژیم جنایتکار و اشغالگر جمهوری اسلامی و تبدیل این نمایش مسخره انتخاباتی به مبارزهای فعال و گسترده و افشای ترندهای شکست خورده اصلاح طلبان کرد و توهم پراکنی آنان از جمله وظایف اصلی جریان رادیکال و سوسیالیست در جنبش انقلابی کردستان می‌باشد.



### آدرس‌های

### حزب کمونیست ایران و کومه‌له

#### دفتر نمایندگی کومه‌له

K.K. P.O.Box75026  
Box 750 26 Uppsala- Sweden  
Tel/Fax: +46-18-46 84 93  
[komala@cpiran.org](mailto:komala@cpiran.org)

#### دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه  
Tel . 3124760 - 3125815

#### کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81  
[komalah@komalah.org](mailto:komalah@komalah.org)

#### دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 704 45  
107 25 Stockholm - Sweden  
Tel/Fax +46-08-86 80 54  
E-mail: [cpi@cpiran.org](mailto:cpi@cpiran.org)

#### کمیته خارج کشور حزب

K.KH.K Box 704 45  
107 25 Stockholm - Sweden  
E-mail: [kkh@cpiran.org](mailto:kkh@cpiran.org)

### پیشرو ارگان کمیته مرکزی کومه‌له

به زبان کردی هر ۱۵ روز یکبار و به زبان فارسی به صورت ماهانه منتشر می‌شود.

**پیشرو** را می‌توان در سایت کومه‌له مطالعه و یا چاپ و به دست علاقمندان رساند.

## هشت مارس امسال

عرصه‌های مبارزه و فعالیت نیست. اما یکی از ویژگی‌های مراسم امسال نسبت به سال‌های گذشته تفکیک و پلورالیسم و تجزیه در صفوف جنبش زنان بود که خود بیانگر تجزیه و مشخص شدن هرچه بیشتر خطوط سیاسی و مبارزاتی در درون جامعه ایران است. امسال دو گرایش عملاً در عرصه جنبش زنان خودنمایی کردند و هر کدام خواست و مطالبات خود را بیان کردند. گرایش راست و لیبرال در جنبش زنان بیشتر به خواستها و مطالبات اصلاح‌طلبانه چسبید و با طرح و برجسته کردن (شعار فراندوم) و کوشش برای تغییر در قانون اساسی با اتکا به فراندوم را در سرلوحه مطالبات خود قرار داد. این گرایش عملاً خواست و مطالبات زنان را دور زد و در صفی ایستاد که ۸ سال قبل با رأی دادن به خاتمی عواقب زیان‌بار آن امروز از هر زمانی بیشتر برای جنبش زنان نمایان شده است. این گرایش قصد دارد جنبش زنان را نه بعنوان جنبشی رادیکال و تحول‌بخش برای پایان دادن به حاکمیت ننگین مذهبی و مردسالاری بسیج کند، بلکه در صدد است آن را به ستونی برای حفظ حکومت اسلامی تبدیل نماید. دفاع از طرح شعار (فراندوم قانون اساسی) که طرح و پلاتفرم جناح‌های مختلف بورژوازی ایران برای نجات حاکمیت سرمایه در مقابل انقلاب است، به بیراهه بردن جنبش زنان است. جنبش زنان که با

پوست و استخوان و سلاخی و اسیدپاشی، ۲۶ سال است تاوان قانون اساسی حکومت مذهبی را می‌پردازد نمی‌تواند به "اصلاح" این قانون رضایت دهد، بلکه باید علیه کلیت آن و لغو نهایی آن باشد. تمام محرومیت و بدبختی‌های امروز زنان در جامعه ایران برگرفته از قانون اساسی، مذهب، فرهنگ و مناسبات طبقاتی و مردسالار است. هر حرکت زنان در خانواده و جامعه برای پایان دادن به شرایط غیرانسانی زندگی خود در اساس قانون شکنی است. اما گرایش رادیکال که در بخشی از تجمعات تهران، سنج، تبریز، سقز، بوکان و جاهای دیگر و در پیام و قطعنامه‌های آنان خود را نشان داد با خواست و مطالبات واقعی و برابری‌طلبانه زنان در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در هم‌سویی با دیگر جنبش‌های انقلابی و تحول‌بخش کارگری و مردم تحت ستم نشان داد. این حرکت می‌تواند شکوفه‌های امید به رهایی نهایی را با نیروی آگاه و سازمان‌یافته زنان، کارگران و تمام انسان‌های متنفر از ستم و بی‌عدالتی را در قلب میلیون‌ها انسان برویاند. این گرایش تماماً قانون‌شکن و ضد وضعیت موجود و خواهان پایان دادن به حکومت مذهب است. اگر سالن و یا محل را برای تجمع از آن دریغ می‌دارند مراسم خود را در پارک و خیابان و بطور علنی برگزار می‌کند. سکوی خطابه‌اش

با پرچم سرخ تزیین می‌شود و عمیقاً برابری‌طلب و انسان‌دوست است.

اگر تاریخ جنبش جهانی زنان در ۸ مارس، تاریخ مبارزه و کوشش جریان چپ و سوسیالیست برای پایان دادن به ستم و نابرابری در جامعه طبقاتی از جمله ستم جنسی است، امروز از هر زمانی بیشتر تلفیق مجدد جنبش زنان با جنبش سوسیالیستی و چپ در جامعه با افق روشن و رهایی‌بخش و با نیروی متحد زنان و مردان برابری‌طلب به نیاز فوری و عاجل این جنبش تبدیل شده است. بدون عجزین شدن این دو حرکت و تبدیل شدن به پیگیری واحد، دست‌آورد جنبش زنان شکننده و قابل بازپس‌گیری و نیمه تمام است. حرکت رادیکال زنان در ۸ مارس امسال کوششی برای جواب‌گویی به این نیاز عاجل بود. قدرت نمایی مراسم ۸ مارس امسال، تاکید بر تشکلات مستقل زنان، مستقل از دولت و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ضد زن، خواست جدایی دین از دولت و کوتاه کردن دست مذهب از زندگی خصوصی افراد بخصوص زنان و کار و استقلال اقتصادی زن، بخشی از خواست و مطالبات فوری کنونی جنبش زنان است که باید به ملکه ذهن و مطالبه هر تجمع و نشستی تبدیل شود. مراسم جریان رادیکال و انقلابی امسال در نقاط مختلف ایران در ۸ مارس روز جهانی زن، جنبش زنان را گامی دیگر به جلو سوق داد. پیروزی جنبش زنان در هم‌سویی با جنبش‌های رادیکال و انقلابی دیگر و در تداوم و پویایی آن است.

۱۱ مارچ ۲۰۰۵

## جهان امروز

نشریه سیاسی

حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

سردبیر:

هلمت احمدیان

ha@cpiran.org

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.



— «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.

— استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

— مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

— جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

— مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۱ با سایز ۱۶ می‌باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S  
53682990054

کارگر و یک دقیقه سکوت به یاد جانبachtگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد. سپس رفیق ساعد وطن دوست از بنیانگذاران کومه‌له به همین مناسبت سخنانی ایراد نمود و یاد و خاطره این عزیزان را گرامی داشت، سرود «گرامیست جانبازیان» پایان بخش این مراسم بود.



مزار رفقای گردان شوان: بعدازظهر ۲۷ اسفند ماه با حضور پیشمرگان و شماری از دوستان کومه‌له گرامیداشت رفقای گردان شوان بر مزار این عزیزان برگزار شد. مراسم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت آغاز و سپس رفیق یدی بیگری از پیشمرگان قدیمی کومه‌له به همین مناسبت سخنانی را ایراد نمود. مراسم با تجدید به ادامه راه و آرمان رفقای گردان شوان و تمنای جانبachtگان راه آزادی و سوسیالیسم به پایان رسید.

## مراسم گرامیداشت هفدهمین سالگرد

## جانباختن رفقای گردان شوان

روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۷ جمعی از رفقای پیشمرگ کومه‌له در گردان شوان به دنبال حمله شیمیایی رژیم بعث عراق و درگیری نابرابر با نیروهای رژیم اسلامی در منطقه حلبچه و همراه با ۵ هزار انسان بی‌گناه جان باختند.

بنا به خبری که از طرف دبیرخانه کومه‌له پخش گردید، به همین مناسبت و در گرامیداشت یاد و خاطره این رفقا، روز ۲۷ اسفند ماه، دو مراسم جداگانه یکی در اردوگاه مرکزی کومه‌له و دیگری بر مزار این رفقا برگزار شد.

اردوگاه مرکزی: صبح روز ۲۷ اسفند ماه با حضور پیشمرگان کومه‌له مراسم یادبود رفقای گردان شوان با سرود انترناسیونال سرود همبستگی جهانی طبقه

خانه و محیط کار به بخش لاینفک مناسبات موجود علیه زنان در کشورهای مختلف تبدیل شده است. در بخشی از کشورهای جهان بخصوص کشورهایی که قوانین اسلامی ضد زن اجرا می‌شود نقص آگاهانه عضو بدن زنان (ختنه) که عملی بغایت ضدانسانی و وحشیانه است هنوز اجرا می‌شود. زنان امسال در ۸ مارس با بیان این حقایق و دهه نمونه دیگر، جامعه مردسالار و نظام ظالمانه طبقاتی را به چالش طلبیدند و جریان رادیکال و انقلابی آن مانیفست برابری طلبانه خود را با زبانی روشن و گویا و با امید به تغییر جهان اعلام داشت.

در ایران اسلام زده که مشتی آخوند واپسگرا و ضد زن حاکمند و آنان کماکان آیات و حدیث، جهل و خرافه را مطابق شریعت اسلام و قانون اساسی منتج از آن علیه زنان سرمی‌دهند. حکام واپسگرا و ضد زن اسلامی امسال هم همچون سال‌های قبل اجازه برگزاری مراسم مستقل و میلیونی به زنان و مردان برابری طلب ندادند.

این موجودات ضد زن و ضدانسان همچنان بر طبق خرافه مذهب و زن‌ستیزی می‌کوبند و روز زن را نه هشت مارس بلکه روز درگذشت فاطمه دختر پیشوای مسلمانان جار زدند، که به جز دختران زینب و زنان و دختران حرمسراهای خود کسی برای آنان تره خورد نکرد. گستردگی جنبش زنان امروز در جامعه ایران آنچنان وسیع است که بخش از حاکمیت از قبیل دو خردادی‌ها و برای نمونه (حزب مشارکت اسلامی) علی‌رغم اعتقاد به قانون زن‌ستیز اسلام برای این روز پیام فرستادند.

اما علی‌رغم مخالفت و فشار و تهدیدات حاکمان اسلامی امسال در جاهای مختلف مراسم روز ۸ مارس برگزار شد. بعلت فضای دیکتاتوری و ضد زن کمیت مراسم ابتدا بیانگر حضور زنان در جامعه امروز و در

حسن رحمان پناه

## هشت مارس امسال، گامی دیگر به پیش!

شوراهای شهر در عربستان سعودی تنها مردان حق رای داشتند. در ایران بخش از درآمد آخوندها که حلال و اسلامی است از مالیات و تجارت سکس زنان و دختران جوان به شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس و دیگر نقاط جهان عاید نمایندگان خدا می‌شود. زنان در جهان ناعادلانه امروز اولین قربانیان فقر و سیه روزی هستند.



بنا به گزارش سازمان یونیسف ۷۰ درصد بیسوادان و دو سوم فقیران جهان زن هستند. در هیچ گوشه‌ای از جهان کنونی امروز و حتی در پیشرفته‌ترین کشورها هم، زن و مرد در عرصه کار و دستمزد، اداره جامعه و نهادهای حکومتی و کلان جامعه متساوی‌الحقوق نیستند، بلکه فاصله زیاد و شکاف عمیق است. امروز سیاست‌های نئولیبرالی در گوشه و کنار جهان دست‌آورد های تاکتونی زنان در همه عرصه‌های زندگی، خانواده و جامعه را که محصول مبارزه قدم به قدم و فداکارانه آن‌ها است روزانه بازپس می‌گیرد. بی‌کاری گسترده و اخراج دستجمعی و روزانه، اولین قربانیانش را از زنان می‌گیرد که فرستادن آنان به کنج آشپزخانه و بچهداری و پخت و پز یکی از ویژگی‌های این سیاست است. خشونت و تجاوز در

مقابل این موج عظیم و حرکت اجتماعی - انسانی و تحول بخش تاب سکوت نیاوردند و با ارسال پیام‌های کذایی و دروغین، وعده‌های توخالی، اما در عمل ضد زن را دوباره و چند باره تکرار کردند. هم‌زمان پلیس و سگ را به خیابان‌ها فرستادند تا مانع "زیاده روی" زنان علیه "نظم، قانون و جامعه" شوند. نظم و قانونی که در جامعه امروزی مملو از بی‌عدالتی و وحشیگری و در خدمت استثمارگران و علیه ستم‌دیدگان و در راس آنان زنان و کودکان است. امروز در گوشه و کنار جهان زنان اولین قربانیان نظام کنونی و از بی‌حقوق‌ترین انسان‌ها هستند. آوار فروپاشی بلوک شرق قبل از هر

کسی بر سر زنان فروریخت. صدها هزار زن و دختر جوان اروپای شرقی که در سوای "دمکراسی و زندگی بهتر" وعده داده شده، راهی اروپای غربی شدند در دام مافیای تجارت سکس گرفتار آمدند و امیدهایشان به کابوس بدل شد. جنگ بالکان اولین قربانیانش زنان بودند که مورد تجاوز فردی، دستجمعی و گروهی قرار گرفتند. بیشترین قربانیان نسل کشی رواندا زن بودند. میخ استبداد مذهبی و امروز در راس آن اسلام، در هر جای که دست بالا پیدا کنند بر فرق زنان کوبیده می‌شود که ایران، افغانستان، عراق، عربستان سعودی و... نمونه‌های غیر قابل انکار این واقعیت هستند. در کویت که نورچشمی آمریکا است و برای پایان اشغال آن، منطقه خلیج را قرغ کردند، زنان از حق رای محرومند. در انتخابات چند ماه قبل

هشت مارس امسال نسبت به سال‌های قبل حال و هوای تازه‌تری داشت. در این روز صف میلیونی انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب در همه دنیا و در گوشه و کنار این جهان غیرانسانی و ناامن برای دفاع از حقوق زنان به حرکت درآمد. اجتماعات بزرگ و کوچک، مخفی و علنی، اما پرشور و با اعتماد به نفس برای تغییر جهان وارونه کنونی تشکیل شد. در بسیاری از این تجمعات مانیفست زنان برابری‌طلب علیه ستم و بی‌عدالتی روزانه در جامعه، در اداره و محل کار، در خانواده و محیط خصوصی زندگی با صدای رسا ابلاغ شد. اعلام شد که زنان نه تنها نصف جامعه بلکه سازنده جامعه، نه تنها مادر و صاحب انسانی‌ترین عواطف، بلکه همراه و همگام با نیروی تحول بخش جهان کنونی یعنی طبقه کارگر، سازندگان و بانیان جهان دیگر، یعنی جهان نوینند که در آن صلح به جای جنگ، عشق به جای خصومت، عدالت به جای نابرابری و خوشبختی به جای فقر و محرومیت از ویژگی‌های چنین جامعه‌ای خواهد بود. در این روز مرزها درهم نوردیده شد. نژاد، ملیت، پوست و پرچم، رنگ باخت و هر آنچه از انسانیت به دور بود به حاشیه رفت و اراده انسان‌های آگاه و مصمم برای تغییر عرض اندام کرد. روز با شکوهی بود و جهان حال و هوای دیگری داشت. بوی تعفن مردسالاری و مذهب زدگی و خرافات که «زن کشتزار مرد است، بهشت زیر پای اوست و ضعیفه و ناقص‌العقل» لااقل در این روز از بسیاری از اذهان رخت بریست و یا کاهش یافت. در جهان مملو از نابرابری و تبعیض و زن‌ستیز، حاکمان زر و زور در